رمز قرینیت قرینه

یکی از بحث‌های بسیار خوب، رمز قرینیت قرینه است. وقتی شما در یک استظهار می‌گویید یک قرینه، قرینه است، چرا این را قرینه می‌گیرید ولی ذو القرینه را نه؟ خُب شاید ذو القرینه قرینه باشد. قبلاً هم صحبتش شد. «رایت اسدا یرمی». شما می‌گویید «یرمی» قرینه است بر این‌که «اسد» یعنی رجل شجاع. خُب چرا برعکس نباشد؟! حاکمیت اسد -که به‌معنای شیر در بیشه و حیوان مفترس است- و قوت چیزی که در موضوع له داریم، غلبه کند و بگوییم به‌معنای «یرمی بخرق العادة» است. "رایت اسدا یرمی بخرق العادة"؛ آخر به چه مجوزی شما می‌گویید «یرمی» یعنی «رجل شجاع»؟! خُب شما قوت دلالت اسد بر حیوان مفترس را قرینه قرار بدهید که «یرمی» یعنی خارق عادت! چرا آن را قرینه می‌کنید؟ رمز قرینیت قرینه در تصرف و حکومتش بر ذو القرینه چیست؟

خُب در معانی بیان بود؛ می‌گفتند وضع نوعی. وضع نوعی، پیش زمینه سابق، اطلاعاتی که در بیرون داریم. این‌ها مباحث خیلی خوب معانی بیانی است. این‌که مجاز در لفظ است، در موضوع له است، ادعا در فرد است، و بحث‌هایی لطیف که در معانی بیان مطرح بود. در قرن بیستم هم که خیلی روی مسائل زبان شناسی کار کرده‌اند، در این وادی چه حرف‌های مفصلی زده‌اند!

خُب در این‌که الآن چرا به این صورت است، می‌توانیم مطالب و مبانی مختلفی حرف بزنیم. توضیح وضع نوعی، حکومتش و ... . آن چه که می‌خواهم عرض کنم، این است: الآن که می‌خواهیم بگوییم «یرمی» قرینه است، اگر در یک فضایی وارد شویم که تنها فضای اطلاعات عادی باشد، [آیا] در این‌جا به سرعت می‌توانیم بگوییم قرینه هست یا نه؟! قرینیت درجات پیدا می‌کند. یعنی الآن اگر مجال این است که کسی در مباحثه بگوید به‌معنای «رایت حیوان مفترسا یرمی بخرق العاده» است، همین‌جا اگر به این جمله کلمه‌ای اضافه شود و بگوید «رایت اسدا یرمی بسهمه الموروث من ابیه»، این‌جا آن احتمالاتی که می‌گفتم باز به صفر نرسیده اما گویا صفر است. می‌گویید یعنی چه که پدر شیری تیری داشته که پسرش از او به ارث برده و ارثش را دوباره [پرت کند]؟! دیگر تمام است؛ یعنی می‌گویید دلالت این جمله قرینه صارفه روشنی دارد اما هنوز به صفر نرسیده است.

خُب در این‌جا قرینیت [و] مطالبی که می‌دانید زمینه‌ای فراهم می‌کند که آن را محکوم قرار بدهید. الآن که سید در این فضا می‌فرمایند: روایت حماد، شارح روایت عبیدا است، این شارحیت را از کجا به دست می‌آورند؟ وقتی عبیدا می‌گوید حضرت فرمودند «اذا رئی قبل الزوال فهذا الیوم من شوال»، چرا می‌گوید منظور حضرت این است که «من رویة الهلال قبل الزوال ان هذا الیوم الذی نظن ان لیلته کان الهلال فی الافق موجودا»؟ این شارحیت را از کجا می‌آورد؟

بازبینی #2
ایجاد شده 23 نوامبر 2025 13:37:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 فوریه 2026 15:28:10 توسط ... .